[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]

[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

مقالهٔ علمی-پژوهشی

تحلیل تطبیقی «بسیج جمعی» مرغان و کبوتران در *منطق‌الطیر* و حکایت «کبوتر مطوّقه» در *کلیله و دمنه*

محمد خسروی‌شکیب*

چکیده

«بسیج جمعی» از نظریه‌های پرکاربرد در حوزهٔ جامعه‌شناسی سیاسی معاصر است که بررسی و تحلیل سازوکارهای درونی حاکم بر جنبش‌های اجتماعی، انقلاب‌ها و آشوب‌های سیاسی را ممکن می‌کند. در پژوهش حاضر، هم روایت «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر* و هم حکایت «کبوتر مطوّقه» در *کلیله و دمنه*، از کنش‌های جمعی متشکل و موفق در ادبیات کلاسیک فارسی و نوعی از بسیج جمعی و گردهمایی اجتماعی معطوف به تغییر ساختار و وضعیت حاکم به‌شمار آمده‌اند؛ ازاین‌رو، بررسی متغیرهای کمی و کیفی حاکم بر سازمان درونی آنها ضرورت دارد. کاربست شاخص‌هایی چون اصل کنشگر خردمند، اصل روابط عمومی، اصل ساختار کنش جمعی، اصل انسجام کمی و کیفی، اصل انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری و... نشان‌دهندهٔ پیچیدگی ساختاری این‌گونه از کنش‌های جمعی است. در این مقاله، تلاش می‌شود تا با روش تحلیل تطبیقی و کیفی، سازوکارهای درونی حاکم بر دو روایت پیش‌گفته بررسی شود تا میزان انسجام و نیز ظرفیت‌های توضیحی و تفسیری هریک به‌سنجش درآید.

کلیدواژه‌ها: *منطق‌الطیر*، *کلیله و دمنه*، حکایت مرغان، کبوتر مطوّقه، بسیج جمعی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان m.khosravishakib@gmail.com

CC BY NC

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۰، شمارهٔ۹۲، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص۱۱۱-۱۳۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]

[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

A Comparative Analysis of *Collective Mobilization* of Birds in *Manṭeq-al-Tayr* and Pigeons in the Story of the *Torquate Pigeon* in *Kalile-va-Demneh*

Mohammad Khosravi Shakib*

Abstract

"Collective mobilization" is one of the most widely used models in the field of contemporary political sociology, which makes it possible to study and analyze the internal mechanisms governing social movements, revolutions, and political unrest. In the present study, the narrative of "Birds of the World" in Manṭeq-al-Tayr as well as the story of "Torquate Pigeon" in Kalile-va-Demneh are successful instances of collective action and mobilization in classical Persian literature aimed at restructuring the status quo. Therefore, it is necessary to study the quantitative and qualitative variables governing their internal organization. The application of indicators such as the principle of wise actor, the principle of public relations, the principle of structure of collective action, the principle of quantitative and qualitative coherence, and the principle of motivations and behavioral patterns, etc. reveal the structural complexity of such collective actions. In this article, an attempt is made to study the internal mechanisms governing the two narratives using qualitative comparative analysis to assess the degree of coherence as well as the explanatory and interpretive capacities of each story.

Keywords: *Manṭeq-al-Tayr*, *Kalile-va-Demneh*, Story of Birds, "Torquate Pigeon", Collective Mobilization.

*Associate Professor in Persian Language and Literature at Lorestan University, *m.khosravishakib@gmail.com*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

۱. مقدمه

همهٔ موجودات زنده در فرآیند تکاملی خود به تشکیل گروه و نیز شرکت در سازمان‌ها گرایش پیدا می‌کنند. بدیهی است که در کنار هویت فردی، موجودات زنده تمایل دارند تا با شرکت در سازمان‌ها، به هویت مشترک دست یابند. هویت جمعی چشم‌انداز و دورنمای افراد را برای رسیدن به اهداف فردی وسیع‌تر می‌کند و همچون ابزاری حیاتی و استراتژیک امنیت روانی مشارکت‌کنندگان را تضمین می‌کند تا اعضا در موقعیت‌های تنش‌زا احساس بی‌پناهی و درماندگی نکنند. گیدنز معتقد است که امروزه به‌علت تکثر سازمان‌ها و مراجع فرهنگی و غیرفرهنگی، هویت جمعی افراد به «ما»هایی متکثر تبدیل شده است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۱). شرکت در گروه‌ها و اجتماعات، همچنان‌که باعث خلق هویت‌های مشترک و جمعی می‌شود و منابع معنایی را در دسترس تک‌تک اعضا قرار می‌دهد، الگوهای فرهنگی و رفتاری ویژه‌ای را تکلیف می‌کند. «این الگوها همان باورها و ارزش‌های مشترک میان اعضای گروه هستند که فراتر از اختیار فردی هستند و برمبنای شاخص‌های اجتماعی، مشارکت‌کنندگان را به تفکر، داوری و کنش مطلوب گروهی وادار می‌کنند» (دگار و سجویک، ۱۳۷۸: ۳۰). آلبرتو ملوچی (۱۹۸۹: ۲۳) نیز هویت‌جمعی را پیش‌زمینهٔ جنبش‌های اجتماعی می‌داند. تعامل گروهی و کسب هویت مشترک و جمعی از ضرورت‌های بقا است.[۱] بسیاری از گونه‌های جانوری در مخاطرات طبیعی و فرآیند تنازع بقا، به‌صورت ذاتی، به تشکیل گروه و کنش جمعی و تدافعی میل دارند تا با این روش بتوانند از خود و فرزندان محافظت کنند و بقای گونهٔ خود را تضمین کنند. باید گفت که تشکیل گروه و کسب هویت مشترک در کنار هویت فردی یکی از نیازمندی‌های گونه‌های جانوری ازجمله انسان است که در مخاطرات و تهدیدها ضامن بقا و نیز تحقق اهداف والاتر اعضای گروه خواهد شد. بدیهی است که تشکیل و حفظ گروه تا رسیدن به مقصود جمعی، مستلزم نظام و سازوکارهایی درونی است که شناخت و درک آنها، ضرورت و کارکرد تشکیل گروه و نیز «بسیج جمعی» را نشان می‌دهد.

داستان «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر* و داستان «کبوتر مطوّقه»[۲] در *کلیله و دمنه* هردو از کنش‌های جمعی و البته تمثیلی ادبیات فارسی هستند که برای ایجاد تغییر در وضعیت کنشگران شکل گرفته‌اند. در روایت *منطق‌الطیر* گروهی از مرغان جهان به رهبری «هدهد» گرد هم می‌آیند تا با سفر و جست‌وجو پادشاه خود را پیدا کنند. آنها سرانجام و بعد از طی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

مراحل سخت و دشوار متوجه می‌شوند که از «سیمرغ» خبری نیست و از گروه آنها فقط «سی‌مرغ» برجای مانده است. در روایت «کبوتر مطوّقه» نیز دسته‌ای از کبوتران در دام صیادی «ستیزه‌رو» می‌افتند. آنها به رهبری مطوّقه و با «تعاون» و همکاری همهٔ کبوتران، دام را از جا برمی‌کنند و با خود می‌برند و درنهایت خود را از دام رها می‌کنند.

حال، باید گفت ازآنجاکه تشکیل گروه و کسب هویت مشترک از لوازم تکامل گونه‌های جانوری است و ازآنجاکه کنش‌های جمعی برای رهایی از تهدید یا رسیدن به منافع جمعی نیازمند سازمان و سازوکارهای درونی هستند، آیا می‌توان دو روایت تمثیلی پیش‌گفته را نمونه‌ای از «بسیج جمعی» موفق در ادبیات فارسی دانست؟ آیا این روایت‌های تمثیلی، مؤلفه‌ها و سازوکارهای پنهان و درونی موجود در جنبش‌های اجتماعی موفق را دارند؟ پیش‌فرض مقاله این است که روایت «کبوتر مطوّقه» در کلیله و دمنه و نیز «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر*، سازوکارهایی درونی دارند؛ همچون اصل رهبری کنشگر و فعال، اصل سازمان، اصل هویت مشترک، اصل روابط درون‌گروهی، اصل گفت‌وگو و مکالمهٔ جمع‌محور، اصل تهدید، اصل فرصت‌شناسی و اقدام، اصل منافع و خیر جمعی و... . این اصول نشان‌دهندهٔ ظرفیت‌های توضیحی و تفسیری حاکم بر این روایت‌هاست.

۱.۱. پیشینهٔ تحقیق

با جست‌وجو در پایگاه‌های اینترنتی و بررسی مقالات، مشخص شد که هیچ نقد و بررسی تطبیقی بر دو روایت ذکرشده انجام نگرفته است و اساساً با کاربست رویکرد «بسیج جمعی» بر آثار ادبی کلاسیک و معاصر، تا حدود بررسی مؤلف، تاکنون مقاله‌ای نوشته نشده است. تمیم‌داری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی داستان جاناتان مرغ دریایی و داستان مرغان در منطق‌الطیر برمبنای نظریهٔ انتخاب گلسر» تلاش کرده‌اند تا نیاز به حقیقت‌جویی و احساس ارزشمندبودن و آزادی انتخاب راه و روش زندگی را در دو اثر فوق بررسی کنند. دادور و همکاران (۱۳۹۷) در مقالهٔ «بررسی بینامتنی مفهوم سیمرغ در مجمع مرغان ژان کلود کریر» جایگاه سیمرغ را در دو اثر بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که با ساخت‌شکنی روایت عطار، سیمرغ در مجمع مرغان ژان کلود کریر برخلاف روایت عطار جایگاه و نقشی زمینی برعهده دارد. از دیگر پژوهش‌های کاربردی و امروزی، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی شخصیت هدهد در منطق‌الطیر با تأکید بر نظریهٔ خودشکوفایی مازلو» از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

خسروی‌شکیب و حیدری (۱۳۹۹) که در آن هدهد نماد فردی خودشکوفا و امروزی معرفی شده که با قابلیت‌های روانی تلاش می‌کند خود و جامعهٔ خود را به جلو حرکت دهد. گفتنی است دربارهٔ روایت مرغان در *منطق‌الطیر* کارهای خوب و جدیدی انجام شده است، اما نوشتهٔ پیش‌رو نخستین تلاشی تلقی می‌شود که رویکرد «بسیج جمعی» را در نقد آثار ادبی فارسی به‌کار می‌گیرد.

۱. ۲. رویکرد نظری تحقیق

اغلب منتقدان و نظریه‌پردازان حوزهٔ جامعه‌شناسی در رابطه با سازوکارهای درونی حاکم بر سازمان گروه‌ها با هم اختلاف دارند، اما ضرورت تشکیل گروه و مشارکت در گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی و نیز تلاش برای کسب هویت جمعی، از نقاط مشترک بحث‌های جامعه‌شناختی است. ماکس وبر جامعه‌شناسی را علم فراگیر کنش اجتماعی می‌داند (لیوئیس، ۱۳۹۳: ۳۰۰). آلبرتو ملوچی در تحلیل و تبیین سازوکارهای درونی حاکم بر جنبش‌های اجتماعی، بر اصل هویت مشترک گروهی تأکید کرده است (ملوچی، ۱۹۹۵: ۴۲). کارل مارکس بسیج جمعی را ناشی از تضاد و آگاهی طبقاتی دانسته است. امیل دورکیم نیز اهمیت هم‌بستگی گروه‌های اجتماعی را طرح کرده است (تورن، ۱۳۸۰: ۱۸). هابرماس نظریهٔ کنش ارتباطی را در رابطه با مشارکت‌کنندگان در جنبش اجتماعی و شیوه‌های استدلالی و تعاملی آنها برای فهم مشترک میان‌گروهی بررسی کرده است (هابرماس، ۱۳۸۴: ۱۶). به‌هرحال، اغلب جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر، با وجود روش‌های متفاوت جامعه‌شناختی، بر ضرورت تحلیل و تبیین جنبش‌های اجتماعی اصرار داشته‌اند (پیوزی، ۱۳۷۹: ۴۲). چارلز تیلی در یک‌طرف این منازعات است و دیگر جامعه‌شناسان به رهبری آلن تورن در طرف دیگرند (بحرانی‌پور، ۱۳۹۷: ۹۳). همان‌قدر که چارلز تیلی به ماهیت تشکیلاتی جنبش‌های اجتماعی علاقه‌مند است، آلن تورن از بررسی مؤلفه‌های کمی و نیز از رویکردهای نمایشی ابراز وجود و نیز روابط میان‌گروهی در جنبش‌های اجتماعی بیزار است. تورن در جمع‌بندی خود جنبش اجتماعی را ترکیب سه اصل هویت، اصل مقابله، و اصل تمامیت می‌داند (تورن، ۱۹۸۵: ۴۲). حال‌آنکه، چارلز تیلی، در *از بسیج تا انقلاب: جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های اروپایی*، تلاش کرده است تا سازوکار درونی حاکم بر جنبش‌های پانصدسال اخیر اروپا را تحلیل کند. او را باید مبدع نظریهٔ «بسیج جمعی» در جنبش‌های اجتماعی دانست که در کتاب *از بسیج تا*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

انقلاب، مبانی و هنجارهای کیفی و کمی حاکم بر این‌گونه جنبش‌ها را بیان کرده است. دیدگاه و نظریهٔ «بسیج جمعی» چارلز تیلی ماهیتی سیاسی دارد و اغلب ناظر بر انقلاب‌ها و شورش‌های سیاسی است، اما جامعیت این نظریه به‌شیوه‌ای باورپذیر می‌تواند در بررسی و تحلیل جنبش‌های اجتماعی و غیرسیاسی نیز کارآمد و مفید باشد. تیلی در *از بسیج تا انقلاب*، «بسیج جمعی» را گردهمایی اختیاری گروهی از مشارکت‌کنندگان دانسته است که با هویت و برنامه‌ای مشترک، به‌منظور رسیدن به منافع و خیر جمعی، به کنش جمعی دست می‌زنند (تیلی، ۱۳۸۵: ۴۲). او نخست به نقد نظریه‌های کلاسیک و معاصر از مارکس، دورکهایم و ماکس وبر تا الن تورن، اسملسر و تالکت پرداخت. از فصل سوم به بعد، اصول و قواعد حاکم بر کنش‌های جمعی معاصر را معرفی کرد. در فصل چهارم ضرورت اصل فرصت‌سازی را در ارتباط با بسیج و کنش جمعی بیان کرد. در فصل پنجم اصل بسیج منابع را در ارتباط با جنبش‌های مردمی بیان کرد. در فصل‌های بعدی چگونگی اصل سازمان و اقدام مشترک و نیز اصل رهبری به‌منزلهٔ کنشگر خردمند بیان شده است. بررسی *از بسیج تا انقلاب* نشان می‌دهد که چارلز تیلی بیشتر از هر چیز به الگوهای سیاسی و انقلابی در میان مدعیان قدرت نظر دارد. در این کتاب، مفاهیمی چون خشونت جمعی، میدان عمل، تعارض، سرکوب، مبارزه، حکومت، طغیان خصومت‌آمیز، هیجان جمعی، مدعیان قدرت و... فراوان است که همگی بر سیاسی‌بودن نظریهٔ ذکرشده دلالت دارند، اما درکنار وجه سیاسی نظریه، می‌توان اصول و الگوهایی کاربردی استخراج کرد که در تفسیر و توضیح سازوکارهای درونی حاکم بر کنش‌های جمعی و غیرسیاسی نیز پذیرفتنی باشند. آن اصول عبارت‌اند از:

الف. اصل تهدید (ارزش‌های مبتنی بر بقا و فراتر از بقا)

ب. اصل سازمان و هویت مشترک

ج. اصل رهبری کنشگر و خردمند

چ. اصل مشارکت و بسیج منابع (تعداد کمّی شرکت‌کنندگان)

ح. اصل روابط عمومی و مکالمهٔ جمع‌محور

د. اصل انسجام ساختاری

اصول و مبانی اقتباس‌شده از کتاب *از بسیج تا انقلاب* چارلز تیلی به ما کمک می‌کند تا بتوانیم سازوکارهای درونی و پنهان حاکم بر «بسیج جمعی» دو روایت «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

و «کبوتر مطوّقه» در *کلیله و دمنه* را هدف بررسی و بازخواست جامعه‌شناختی قرار دهیم. این رویکرد باعث می‌شود تا خواننده، فراتر از متن روایت‌ها و نیز فراتر از ظرفیت‌های ادبی و زبانی، با کارکرد متغیرهای توضیحی و تفسیری این دو متن آشنا شود.

۲. بحث و بررسی

روایت «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر* اغلب از منظر عرفان کلاسیک و شرقی، مبلغ گفتمان‌های کلان خداشناسی، خودشناسی، سیروسلوک، حقیقت‌جویی و... بوده است. کاربست نظریه‌های جدید و نو می‌تواند دلالت‌های معنایی این روایت را توسعه دهد و باعث رهایی متن از انحصار و محدودیت معنایی شود. نگاه جامعه‌شناختی به متن *منطق‌الطیر* خواننده را متقاعد می‌کند که با نوعی «بسیج جمعی» مواجه است. روایت «کبوتر مطوّقه» نیز فراتر از استعدادهای ادبی، زبانی و توصیفی، «بسیج جمعیِ» دسته‌ای کبوتر است که به‌دنبال منافع مشترک هستند. اگر بپذیریم که هم روایت مرغان در *منطق‌الطیر* و هم روایت کبوتران در *کلیله و دمنه* نوعی «بسیج جمعی» است، کاربست اصول چارلز تیلی در بررسی سازوکارهای درونی هردو روایت، به روشن‌شدن ظرفیت‌های توضیحی و تفسیری حاکم بر فرآیند بسیج جمعی می‌انجامد و درنهایت میزان استواری و انسجام درونی آنها معلوم می‌شود.

۲. ۱. اصل تشکیل گروه و هویت مشترک

بررسی گروه، برای شناخت سازوکارهای درونی حاکم بر رفتار سازمانی اعضای آن از اهمیت زیادی برخوردار است. شکل‌گیری گروه اولین قدم در جنبش‌های جمعی است. در *منطق‌الطیر*، همهٔ مرغان موجود در کرهٔ زمین گردهم می‌آیند و گروه را تشکیل می‌دهند.

مجمعی کردند مرغان جهان هرچه بودند آشکارا و نهان

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۸)

«مجمعی» و نیز عبارت «هرچه بودند آشکارا و نهان» بر تشکیل گروه تأکید دارد. اما، باید گفت که تشکیل گروه نیازمند یک انگیزه و محرک قوی است که بتواند باعث طوفان‌زایی ذهنی شود و مشارکت‌کنندگان را به کنشگری وادارد. چارلز تیلی معتقد است که در فرآیند تشکیل سازمان و گروه، میانجی و واسطه‌ای لازم است که بتواند عمل مشترکی را طرح کند که آن عمل بتواند «ما»ی جمعی را شکل بدهد (تیلی، ۱۳۸۵: ۴۳). مای جمعی مرغان دربرابر مسئلهٔ «بی‌شاه‌بودن» است که شکل می‌گیرد. ابیات زیر مراحل تشکیل جمع مرغان را نشان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

می‌دهد. همهٔ «مرغان جهان» گردهم می‌آیند و سپس دربارهٔ کشور «بی‌پادشاه» خود بحث می‌کنند. آنها معتقدند که با «یاری» و تعاون می‌توان تعارض درون‌گروهی موجود را رفع کرد. بررسی تعارض موجود سبب طوفان‌زایی در درون مرغان می‌شود و آنها را «بی‌صبر»، «بی‌قرار» و مشتاق جست‌وجو می‌کند.

جمله گفتند این زمان در روزگار — نیست خالی هیچ شهر از شهریار
از چه رو اقلیم ما را شاه نیست — بیش ازین بی‌شاه‌بودن راه نیست
یکدگر را شاید ار یاری کنیم — پادشاهی را طلبکاری کنیم
زانکه چون کشور بود بی‌پادشاه — نظم و ترتیبی نماند در سپاه
پس همه در جایگاهی آمدند — سربه‌سر جویای شاهی آمدند

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۸)

وجود «مشارکت‌کنندگان»، «طوفان‌زایی و چالش‌آفرینی» و نیز «همکاری و تعاون» و «طلب و جست‌وجو» برای حل مسئله، از مهم‌ترین مراحل تشکیل گروه مرغان است. چارلز تیلی در *جنبش‌های اجتماعی*، توفیق جنبش‌های جمعی بزرگ‌تر از سه‌نفر را مرهون هنجارهای جمعی، منافع جمعی و نیز هویت مشترک و جمعی می‌داند (تیلی، ۱۳۹۸: ۵۴). هرقدر یک کنش جمعی از مؤلفه‌های سه‌گانهٔ بالا دور باشد، به همان نسبت از استواری آن و نیز از توفیق جمعی آن کاسته می‌شود. در قصهٔ «مرغان جهان»، همواره بر مشارکت حداکثری آنها تأکید شده است. پذیرفتن هویت جمعی و مشترک است که کنشگران شرکت‌کننده در گروه را در کنار هم نگه می‌دارد.

چون همه مرغان شنودند این سخن — نیک پی بردند اسرار کهن
جمله با سیمرغ نسبت یافتند — لاجرم در سیر رغبت یافتند
زین سخن یکسر به ره بازآمدند — جمله هم‌درد و هم‌آواز آمدند

(عطار، ۱۳۷۴: ۳۵)

تکرار قید «جمله»، «یکسر» و «همه» در ابیات بالا نشان می‌دهد که گروه شکل گرفته است و مشارکت‌کنندگان حداکثری را به خود جذب کرده است. دلالت «سخن» در اینجا همان بحث جست‌وجو و ضرورت دیدن سیمرغ است که «لاجرم» در مرغان انگیزه و «رغبت» تولید می‌کند و به‌منزلهٔ عامل طوفان‌زای ذهنی، تشکیل گروه و ضرورت سازمان را توجیه می‌کند.

در داستان «کبوتر مطوّقه»، هویت صنفی پرندگان و روابط دسته‌ای آنها و نیز روابط درونی و شبکه‌ای میان کبوتران در شکل‌گیری سازمان و کنش جمعی آنها اهمیت زیادی دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

الف) ... ساعتی بود، قومی کبوتران برسیدند... (نصراله منشی، ۱۳۷۵: ۱۵۸)

ب) ... چندان‌که دانه بدیدند غافل‌وار فرود آمدند و جمله در دام افتادند و صیاد شادمان گشت و گرازان بتگ ایستاد تا ایشان را در ضبط آرد و کبوتران اضطرابی می‌کردند... (همان، ۱۵۹).

گزارهٔ «الف» هویت مشترک و یک‌ریختی کبوتران را نشان می‌دهد که در شکل‌گیری اصل سازمان اهمیت زیادی دارد؛ به‌طوری‌که اگر پرنده یا حیوانی دیگر غیر از نوع کبوتر در این جنبش و کنش جمعی شرکت داشت، از کارآیی، یک‌دستی و موفقیت آن کاسته می‌شد. روابط دسته‌ای و صنفی کاملاً یک‌دست، در توفیق کنش‌جمعی کبوتران اهمیت زیادی دارد. هویت سازمانی و اجتماعی کبوتران از صنفی که در آن قرار دارند تأثیر می‌پذیرد و هویت فردی آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌طوری‌که درنهایت باعث شکل‌گیری گروه و نیز کنش جمعی می‌شود. گزارهٔ «ب» نشان‌دهندهٔ طوفان‌زایی و بالاگرفتن تضادها و تقابل‌ها برای شکل‌گیری جنبش جمعی است. کبوتران همگی در دام افتاده‌اند و صیاد نیز با شادمانی و هیجان به‌دنبال ضبط آنهاست. قید «جمله» نشان می‌دهد که به همهٔ کبوتران، به‌عنوان کنشگران فعال سازمان، نگاه و دقت ویژه داشته است. قید «غافل‌وار» نیز نشان‌دهندهٔ عدم درک کبوتران از وضعیت پیش از تشکیل گروه است. هویت مشترک کبوتران هنگامی برجسته می‌شود که آنها خود را در دام می‌بینند و از وضعیت خود آگاهی می‌یابند. «اضطراب» کبوتران نشان‌دهندهٔ آگاهی پساحادثه‌ای آنهاست و این آغاز شکل‌گیری اصل هویت در سازمان است. آلن تورن (۱۹۸۵: ۷۶۹)، از منتقدان نظریهٔ چارلز تیلی، نیز معتقد است که هیچ جنبشی نمی‌تواند شکل بگیرد و تشکیلاتی شود، مگر آنکه بتوان عامل تقابل را در آن نمایان و برجسته کرد تا بتوان برمبنای آن تقابل و دشمنی، آگاهی و هویت‌یابی کنشگران را ترتیب داد.

باید گفت که در هردو روایت مذکور، انگیزه و عامل طوفان‌زایی وجود دارد و این عامل ضرورت وجود گروه را باورپذیر می‌کند. با تشکیل گروه، هویت مشترک و جمعی مشارکت‌کنندگان نیز شکل می‌گیرد. هویت مشترک در روایت *منطق‌الطیر* از هم‌ریختی میان مرغان حاصل می‌شود؛ به‌این‌معنا که همهٔ مشارکت‌کنندگان از گونهٔ مرغان هستند، اما ماهیت و راستهٔ آنها فرق می‌کند و از مرغ خانگی تا بوف و گنجشک و انواع دیگر از پرنده‌ها در آن شرکت دارند؛ حال‌آنکه، هویت مشترک در روایت «کبوتر مطوّقه»، نوعی از یک‌ریختی است که صرفاً از دسته‌ای کبوتر تشکیل شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

۲. ۲. اصل فاعل خردمند و کنشگر

فاعل کنشگر که می‌تواند رهبر گروه نیز باشد در موفقیت کنش جمعی اهمیت حیاتی دارد. بدون رهبر، اصولاً گروه و سازمانی پایدار نخواهد ماند. رهبر گروه است که با طرح مسئله‌ای ذهنی یا عینی، طوفان‌زایی و تشکیل گروه را واجب نشان می‌دهد و اوست که با ایجاد شوق و انگیزه، مشارکت‌کنندگان را به تحقق اهداف و منافع جمعی امیدوار نگه می‌دارد. تصور پیروزی بسیج جمعی و کنش اجتماعی بدون اصل رهبری خودشکوفا ممکن نیست (پاجلیز، ۲۰۱۰: ۶۲). اگر «مرغان جهان» یک بسیج جمعی باشد، باید به‌دنبال وجود رهبر و بررسی کیفی رفتار او در آن بود.

جمله گفتند این زمان ما را به نقد — پیشوائی باید اندر حل و عقد
تا بود در راه ما را رهبری — زانکه نتوان ساختن از خود سری
در چنین ره حاکمی باید شگرف — بو که بتوان رست ازین دریای ژرف
حاکم خود را به جان فرمان بریم — جز به حکم و امر او ره نسپریم

(عطار، ۱۳۷۴: ۸۹)

«جملهٔ» مرغان جهان، بعد از بررسی آگاهانه و شناخت، به این نتیجه می‌رسند که «حل و عقد» امور درون سازمان، به «رهبر» نیاز دارد و با «خودسری»، رسیدن به خیر جمعی و منافع مشترک ممکن نیست. «پیشوا» و «رهبری» از کلیدواژه‌های مورد استفادهٔ مرغان است و فراتر از اصطلاحاتی مانند مدیر و رئیس، نشان‌دهندهٔ لزوم نوعی سرسپردگی و اطاعت محض از رهبر است. مدیر کسی است که در ارتباطی خشک و غیرمنعطف با اعضای گروه، بر حسن اجرای قوانین ازپیش‌تعیین‌شده و مکانیکی نظارت می‌کند، اما «رهبری» مفهومی فرامدیریتی است که با برقراری ارتباط احساسی و عاطفی، تلاش می‌کند نوعی از «فرمان»برداری و «حکم»رانی محض و سرسپردگی درونی و معنوی ایجاد کند؛ به‌طوری‌که مشارکت‌کنندگان در جهت منفعت جمعی از «جان» خود مایه بگذارند.

عاقبت گفتند حاکم نیست کس — قرعه باید زد، طریق این است و بس
قرعه بر هر کس فتد سرور شود — در میان کهتران مهتر شود
چون به دست قرعه‌شان افتاد کار — دل گرفت آن بی‌قراران را قرار
قرعه افکندند و بر لایق فتاد — قرعه‌شان بر هدهد عاشق فتاد
جمله او را رهبر خود ساختند — گر همی فرمود جان می‌باختند

(همان، ۸۹)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

در ابیات فوق، اهمیت و حساسیت فرآیند انتخاب «رهبر» بیان شده است. «جمله» مرغان مشارکت‌کننده در کنش جمعی، بعد از بررسی، به این نتیجه می‌رسند که فرآیند انتخاب رهبر باید دموکراتیک و انتخابی باشد. فرآیند قرعه‌کشی و تکرار واژهٔ «قرعه» نشان‌دهندهٔ اهمیت مشارکت همهٔ اعضا در انتخابات و ضرورت اصل «رهبر»ی است. مشارکت همهٔ اعضا در انتخاب «رهبر»، علاوه‌بر استواری، «قرار» و انسجام درون‌گروهی، باعث می‌شود تا اطاعت از او به‌عنوان «سرور» و «مهتر» سازمان، توجیه‌پذیر باشد.

عهد کردند آن‌همه کو سرور است هم در این ره پیشرو و هم رهبر است
حکم حکم اوست، فرمان نیز هم زو دریغی نیست تن، جان نیز هم
جمله دست از جان بشسته پاکباز بار ایشان بس گران و ره دراز
(همان، ۸۹)

صفات کیفی چون «مهتر»، «سرور»، «کهتر»، «پیشوا» و «پیشرو» در ارتباط با مرغان و «هدهد» به‌عنوان فاعل کنشگر، نشان نوعی سرسپردگی درونی، ارزشی و معنوی است که مدیران در سازمان‌های غیرارزشی از آن بی‌بهره‌اند. واژهٔ «عهد» نیز فراتر از قراردادهای امروزی، نوعی الزام درونی و وفاداری معنوی به «رهبر» است که باعث استواری درونی سازمان و «فرمان»برداری و «پاکبازی» «همه» و «جملهٔ» مرغان درجهت رسیدن به اهداف و منافع جمعی است. «هدهد» در فرآیندی چنین دموکراتیک و جمعی، به‌عنوان «رهبر» و «حکم»ران انتخاب می‌شود. «هدهد» بعد از انتخابات دموکراتیک و حداکثری به‌عنوان «رهبر»، در نخستین «سخن»رانی خود در «جمع» مرغان چنین به تصویر کشیده می‌شود:

پیش هدهد صدهزاران بیشتر صف زدند از خیل مرغان سربه‌سر
بعد از آن هدهد سخن‌را ساز کرد بر سر منبر شد و آغاز کرد...
...«هدهد» آشفته‌دل پر انتظار در میان جمع آمد بی‌قرار
تیزفهمی بود در راه آمده از بد و از نیک آگاه آمده
گفت ای مرغان منم بی‌هیچ ریب هم برید حضرت و هم پیک غیب
هم ز حضرت من خبردار آمدم هم ز فطرت صاحب اسرار آمدم
آب پیمایم ز وهم خویشتن رازها دانم بسی زین بیش من
با سلیمان در سخن پیش آمدم لاجرم از خیل او بیش آمدم
سال‌ها در بحر و بر می‌گشته‌ام پای اندر ره به سر می‌گشته‌ام
(همان، ۳۸-۳۹)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

انتخاب‌شدن «هدهد» به‌عنوان «رهبر» با «بی‌قرار»ی و «آشفته‌دلی» همراه است. «آشفته»دلی او به‌دلیل «آگاهی» او به «نیک و بد راه»، «انتظار» زیاد او از مرغان، «تیزفهم»بودن او، و «اسرار» و «راز»های فراوانی است که دارد. «هدهد» خوب می‌داند «رهبر»ی و حفظ انسجام گروه‌هایی که برای رسیدن به الگوهای ارزشی و معنوی به کنش‌جمعی دست می‌زنند، از رهبری گروه‌هایی با الگوی مادی و دنیوی بسی دشوارتر است. «هدهد» در اولین «سخن»رانی خود در «خیل» و جمع مرغان تلاش می‌کند تا تصویری از یک رهبر کنشگر و تسهیلگر به‌نمایش بگذارد. او می‌خواهد به مرغان اطمینان دهد که «رهبر»ی با تجربه و «برّ و بحر»گشته است. «آزاد» است و اهل چاپلوسی و وابستگی‌های مادی نیست. کارهای زیادی انجام داده است و در خدمت بزرگان تجربهٔ کافی کسب کرده است و برای تجربه ارزش زیادی قائل است. او «بی‌هیچ ریب» تصویری مثبت و مستند از خود به‌نمایش می‌گذارد تا بتواند اعتماد مرغان را برای ارتباطی سازمانی، مؤثر و پایدار جلب کند. او از تأکید بر تجربه‌گرایی خود، به‌دنبال اعتمادسازی و ایجاد استعداد و ظرفیت سازمانی است. سرسپردگی و «پاکباز»ی مرغان به «هدهد»، نتیجهٔ اعتمادبه‌نفس او و اطمینان‌بخش‌بودن سخنان اوست. بدیهی است که «دست‌شستن مرغان از جان» و فرمان‌برداری آنها هنگامی اتفاق می‌افتد که شکلی از اعتماد به «هدهد» را تجربه می‌کنند. در ابیات بالا، هدهد تصویری واضح و شفاف از خود و توانایی‌هایش به‌نمایش می‌گذارد. به‌همین‌دلیل است که مرغان به او اعتماد می‌کنند و او را «امام حل و عقد» می‌دانند و با «نقد»، آگاهی و شناخت، کارهای خود را در عمل به او می‌سپارند.

رای ما آن است کاین ساعت به نقد خود توئی ما را امام حل و عقد...

توفیق کنش جمعی کبوتران در روایت «کبوتر مطوّقه» نیز به کنشگری و خردمندی مطوّقه به‌عنوان رهبر گروه وابسته است. اوست که با فرصت‌شناسی و اقدام، بسیج منابع و اتحاد دیگر کنشگران را ممکن می‌سازد. اوست که باعث می‌شود تا دیگر کبوتران، با کنش متراکم و «صواب»، گرفتاری و چالش پیش‌رو را حل کنند و خود را از دام صیاد «رها» کنند. عبارات زیر نشان‌دهندهٔ خردمندی و فرصت‌شناسی رهبر و نیز اقدام مشترک کبوتران در روایت مذکور است:

الف) .... حالی صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم. رهایش ما در آنست... (نصراله منشی، ۱۳۷۵: ۱۵۹).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

ب) ... مطوّقه چون بدید که صیاد در قفای ایشان است یاران را گفت این ستیزه‌روی در کار ما به جد است و تا از چشم او ناپیدا نشویم دل از ما برنگیرد... (همان، ۱۵۹).

در گزارهٔ «الف»، به‌دام‌افتادن تنشی در میان کبوتران به‌وجود می‌آورد که واکنش جمعی آنها را برمی‌انگیزد. مطوّقه، در جایگاه رهبر خردمند گروه، با فرصت‌شناسی و تلاش برای اقدام مشترک، به‌دنبال تجمیع واکنش تک‌تک کبوتران و «تعاون» آنهاست. او رفتار و «اضطراب» کبوتران را حول یک باور واحد متراکم می‌کند، باوری که نشان می‌دهد رهایی و آزادی کبوتران در «تعاون» «جملهٔ» آنها برای ازجای‌کندن دام است. این باور و نگرش باعث می‌شود کبوتران راه‌حل عملی و خردمندانه‌ای را جست‌وجو کنند. رهبری معقول مطوّقه سبب تراکم چندین سطح متفاوت کنشی گرد یک باور واحد می‌شود تا درنهایت چالش و تنش پیش‌آمده حل‌وفصل شود و کنش جمعی کبوتران در کلیت خود، عقلانی به‌نظر برسد.

در گزارهٔ «ب»، مطوّقه مجدد وجه خردمندانهٔ جنبش جمعی کبوتران را تقویت می‌کند. هنگامی که صیاد کبوتران را پی می‌گیرد، با این امید که آنها خسته شوند و با دام فرود آیند، مطوقه با تأکید بر باور مشترک «تعاون» برای رهایی، «طریق» و راه‌حل عملی و معقولی را پیشنهاد می‌کند. او می‌گوید: «**... طریق آن است که سوی آبادانی‌ها و درختستان‌ها رویم تا نظر او از ما منقطع گردد و نومید و خایب بازگردد...**» (همان، ۱۵۹). کنش جمعی کبوتران در اینجا همان واکنش منسجم و قابل درک گروه کبوتران است که به‌منظور ایجاد اختلال در ساختار ذهنی صیاد شکل می‌گیرد. آنها امیدوارند که بتوانند، با این واکنش معقول، تنش و حساسیت پیش‌آمده را پایان دهند. نقش مطوّقه در ایجاد و تقویت باور مشترک، او را به فاعل اصلی و نقش اول کنش جمعی داستان تبدیل کرده است. او با ایجاد باور مشترک در پرندگان، هم ارزش‌هایی چون «مصادقت» و «مودت» را تحکیم می‌کند و هم باعث شکل‌گیری هنجارهای جمعی چون «تعاون» و «مطاوعت» در کبوتران می‌شود. مطوقه از آغاز تا پایان روایت مرتب تلاش می‌کند تا با توصیف دقیق هدف عملی گروه، پایداری و تعاون کبوتران را تقویت کند. او با خردمندی موفق می‌شود تا در تک‌تک کبوتران این حس را به‌وجود آورد که همهٔ آنها از نتایج کنش جمعی برخوردار خواهند شد و منفعت نهایی جنبش و تلاش جمعی آنها یکسان خواهد بود؛ ازاین‌رو، همهٔ کبوتران به جان می‌کوشند تا دام را از جای برکنند و به محاسبات و منفعت‌های شخصی و خودخواهانه توجه نکنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

«هدهد» در روایت «مرغان جهان» رهبری معنوی و پرشور نمایش داده می‌شود. او بیشتر بر توانایی خود تأکید می‌کند و تلاش می‌کند تا با خودستایی تصویری مقتدر و مسلط از خود به مرغان نشان دهد. او در رابطه‌ای عمودی و از بالا به پایین گروه مرغان را رهبری می‌کند؛ حال‌آنکه، مطوّقه بدون خودستایی و اقتدارطلبی تلاش می‌کند تا مدیریتی هم‌عرض را به‌نمایش بگذارد که با اولویت‌های اخلاقی و جمعی بیشتری همراه است.

۲. ۳. اصل روابط عمومی و گفت‌وگوی جمعی

کتاب *منطق‌الطیر* با دیالوگ‌ها و گفت‌وگوهای فراوان ضرورت دموکراسی و تعامل جمع‌محور در بسیج جمعی مرغان را نشان می‌دهد. این درحالی است که روحیهٔ قهرمان‌پروری و تک‌صدایی و همچنین تفکر پدرسالارانه بر اغلب داستان‌های کلاسیک ایران و جهان حاکم است. «مرغان جهان» نشان می‌دهد که گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز یکی از اصول و ارزش‌های موجود در جنبش‌های اجتماعی است که انسجام و ظرفیت دموکراتیک آنها را نشان می‌دهد. مرغان به هدهد می‌گویند:

هریکی را هست در دل مشکلی — می‌بباید راه را فارغ‌دلی
مشکل دل‌های ما حل کن نخست — تا کنیم از بعد آن عزمی درست
چون بپرسیم از تو مشکل‌های خویش — بستریم این شبهت از دل‌های خویش
زانک می‌دانیم کین راه دراز — در میان شبهه ندهد نور باز
دل چو فارغ گشت تن در ره دهیم — بی دل و تن، سر بدان درگه نهیم

(همان، ۹۱)

انجمن مرغان رسیدن به اهداف و منفعت جمعی را مستلزم روشن‌شدن همهٔ «شبُهت»ها و ابهام‌های آغازین می‌دانند. آنها نشان می‌دهند که می‌خواهند هدف و «عزم» خود را آگاهانه، «درست» و با «فارغ‌دلی» انتخاب کنند؛ ازاین‌رو، با ایجاد فضای گفت‌وگوی جمع‌محور به‌دنبال طرح «مشکل‌های» خود هستند و توانایی «حل» آنها را نیز در گفت‌وگو و مذاکره با «هدهد» می‌بینند.

گفت‌وگوی باز شکاری با هدهد در حضور دیگر مرغان جالب‌توجه است. او بیان می‌کند که من اکنون نیز در «خوشی» هستم و در قصری زیبا و «زاد و بوم» خود شادم؛ چرا باید در جست‌وجوی سیمرغ با گروه مرغان همراه شوم و «داغ و اَلَم» سفر را بپذیرم.

دیگری گفتش دلم پرآتش است — زانک زاد و بوم من جای خوش است
هست قصری زرنگار و دلگشای — خلق را نظارهٔ او جان‌فزای
عالمی شادی مرا حاصل ازو — چون توانم برگرفتن دل ازو

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

هیچ عاقل رفت از باغ ارم؟ تا که بیند در سفر داغ و آلَم

(همان، ۱۱۹)

ابیات بالا از زبان «باز»، پرندهٔ شکاری، بیان شده است. او اکنون نیز در قصر پادشاهان است و در هنگام شکار در رکاب آنهاست. سؤال او منطقی و مستدل است: چرا باید نقد امروز را به نسیهٔ فردا بدهد؟ چرا باید «داغ و آلَم» سفر را تحمل کند؟ ازنظر باز شکاری، «هیچ عاقلی» این را نمی‌پذیرد. هدهد تلاش می‌کند برحسب وظیفه و نیز در فرآیندی دموکراتیک و گفت‌وگومحور، «شبههٔ» باز شکاری را رفع کند. هدهد می‌گوید:

گلخن است این جملهٔ دنیای دون قصر تو چندست ازین گلخن کنون
قصر تو گر خلد جنّت آمده‌ست با اجل زندان محنت آمده‌ست
گر نبودی مرگ را بر خلق دست لایق افتادی در این منزل نشست

(همان، ۱۲۰)

مکالمهٔ باز شکاری و هدهد کاملاً مستدل است. هدهد معتقد است که سایهٔ «اجل» و «مرگ» بر زندگی، خوشی و شادی دنیوی را به تلخی تبدیل می‌کند. او می‌خواهد کنش جمعی تحت امر خود را به رستگاری و حیات جاودانه برساند. هدهد به‌صورت ضمنی ارزشی و کیفی‌بودن کنش جمعی تحت رهبری خود را نشان می‌دهد. او فراتر از لذت‌های مادی، به‌دنبال طرح الگوها و ارزش‌های فرامادی در میان انجمن مرغان است. با توجه به همهٔ گفت‌وگوهای موجود و نیز مکالمهٔ باز شکاری و هدهد، می‌توان نتیجه گرفت که:

الف. همهٔ مرغان به الگو و اصل گفت‌وگو در فرآیند بسیج جمعی معتقدند. آنها تلاش می‌کنند تا «شبهت»های پیش‌آمده را با گفت‌وگو حل‌وفصل کند.

ب. گفت‌وگوها معنامحور و ارزشی هستند و بر الگوهای معنوی و ارزشی استوار شده‌اند.

ج. گفت‌وگوها ماهیت دموکراتیک و جمع‌گرای بسیج مرغان را نشان می‌دهند.

د. در گفت‌وگوهای *منطق‌الطیر* رقابت و قدرت‌طلبی وجود دارد، اما طرفین خودآگاه و مبتنی بر اصول منطق و اخلاق و نیز اختیار با هم دیالوگ دارند.

در روایت کبوتر مطوّقه نیز گفت‌وگو و روابط درون‌گروهی در شناخت و استفاده از فرصت‌ها اهمیت زیادی دارد. روابط عمومی در داستان «کبوتر مطوّقه» هم از منظر درون‌گروهی و هم برون‌گروهی قابل بررسی و تحلیل است؛ به‌این‌معنا که گفت‌وگوی مطوقه با کبوتران مشارکت‌کننده درون‌گروهی است و گفت‌وگوی او با موش ـزبراـ گفت‌وگوی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

برون‌گروهی است. او با استفاده از گفت‌وگو، به‌دنبال تعامل و تثبیت نوعی دموکراسی است که مایهٔ بسط تفاهم و درک متقابل میان کبوتران باشد.

الف)... هریک خود را می‌کوشید. مطوّقه گفت جای مجادله نیست، چنان باید که همگنان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند و حالی (بی‌درنگ) صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوّتی کنید تا دام از جای برگیریم. رهایش ما در آنست. کبوتران فرمان وی بکردند ... (نصراله منشی، ۱۳۷۵: ۱۵۹).

ب)... مطوّقه چون بدید که صیاد در قفای ایشان است یاران را گفت این ستیزه‌روی در کار ما به جدّ است و تا از چشم او ناپیدا نشویم دل از ما برنگیرد... (همان، ۱۵۹).

ج)... (مطوّقه) گفت نخست از آن یاران بگشای. موش بدین سخن التفات ننمود. (مطوقه) گفت ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی‌تر. (موش) گفت این حدیث را مکرر می‌کنی، مگر ترا به نفس خویش حاجت نمی‌باشد؟... (مطوّقه) گفت مرا ملالت نباید کرد که من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌ام و ایشان را از آن‌روی بر من حقی واجب شده است... . موش گفت عادت اهل مکرمت این است و عقیدت و ثقت دوستان به کرم عهد تو بیفزاید... (همان، ۱۶۱).

گزاره‌های بالا همگی گفت‌وگوهایی هستند که وجه عقلانی و استدلالی کنش جمعی کبوتران را بالا می‌برند. مطوّقه، در جایگاه مدیر و رئیس گروه، تلاش می‌کند تا چارچوب عقلانی و اقناعی کنش جمعی را تقویت کند. او با فرصت‌شناسی و استدلال کوشش‌های فردمحور و پراکندهٔ تک‌تک کبوتران را به کنشی منسجم و جمع‌محور تبدیل می‌کند. استدلال موجود در گفتار مطوّقه مسبب فرمان‌برداری و «مطاوعت» کبوتران است. در گزارهٔ «ب» نیز مطوّقه با کبوتران گفت‌وگویی اقناعی و مستدل انجام می‌دهد و آنها را با برهان و منطق متقاعد می‌کند که برای رهایی از صیاد «طریق آن است که سوی آبادانی‌ها و درختستان‌ها رویم تا نظر او از ما منقطع گردد و نومید و خایب بازگردد». در گزارهٔ «ج»، ارتباط و گفت‌وگوی مطوّقه با موش (زِیرا) دربردارندهٔ نکات دقیق مدیریتی، سازمانی و فرصت‌شناسی در تصمیم‌گیری است. موش می‌کوشد مطوّقه را متقاعد کند که از روابط دوستی خارج از گروه به‌نفع خود استفاده کند و اجازه دهد تا نخست او را از بند رها کند. اما، او خود را ملزم به رعایت چارچوب‌های ارزشی ازپیش‌تعیین‌شدهٔ گروه می‌داند، چارچوبی که در آن «همگنان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند». مطوّقه از این فرصت برای تثبیت همان الگوهای ارزشی و معنوی گروه استفاده می‌کند. فرصت‌شناسی مطوّقه را باید در پیوند با گفت‌وگوهای اقناعی و مستدل به‌کار گرفت، تا علاوه‌بر تمرین فرآیند دموکراسی، نشان‌دهندهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

ترجیح روابط و مکالمه‌های جمع‌محور بر «مجادله» و ستیزهای درون‌گروهی باشد. گفت‌وگوی موجود در داستان مطوّقه دوطرفه و بیرونی است. همهٔ مشارکت‌کنندگان در کنش و بسیج جمعی آن را می‌شنوند و باور می‌کنند. ساختار کوچک و یک‌دست کبوتران در این داستان اجازه نمی‌دهد که گفت‌وگوی درونی و پنهانی شکل بگیرد؛ چراکه «در کنش‌های جمعی کوچک همه‌چیز باید روشن و بیرونی باشد» (ملوچی، ۱۹۹۶: ۴۲) تا «ثقت» و حس مشترک و بسیج جمعی گروه صدمه نبیند و انسجام درونی کنش در خطر قرار نگیرد.

در کل، باید گفت که روایت مرغان در *منطق‌الطیر* بر عنصر گفت‌وگو و دیالوگ استوار است. مکالمهٔ جمع‌محور است که روایت را جلو می‌برد. در *منطق‌الطیر* هرچند استدلال وجود دارد و هرچند گفت‌وگوی جمعی مرغان سبب تلطیف فضا و تضعیف روحیهٔ پدرسالاری و قدرت‌طلبی شخص‌محور در گروه شده است، شور مذهبی و ایدئولوژیکی هدهد و موعظه‌هایش نشان‌دهندهٔ اندکی پرخاشگری و زخم زبان در لحن اوست. در جنبش کبوتران نیز مطوّقه با فرصت‌شناسی، گفت‌وگو و ارتباط معطوف به هم‌افزایی و «تعاون»، علاوه‌بر اطمینان‌بخشی و انسجام درون‌گروهی، نوعی از اصالت، خرسندی و اقناع جمعی را به‌نمایش می‌گذارد که درنهایت منفعت جمعی و رهایی آنها را تضمین می‌کند.

۲. ٤. اصل تهدید؛ ارزش‌های مبتنی بر بقا و فراتر از بقا

هیچ انگیزه‌ای قوی‌تر از اصل زندگی و بقا نیست. تهدید این اصل سبب می‌شود تا توانایی و امکانات مادی و فرامادی انسان در مسیر مبارزه برای رفع آن بسیج شود. اگر بقا و ارزش‌های وابسته به آن در خطر قرار گیرد، بسیج جمعی به‌سرعت شکل می‌گیرد و تا رفع عوامل تهدیدکننده تداوم می‌یابد. در نظریهٔ چارلز تیلی، اصل بقا و ارزش‌های مبتنی بر آن عاملی مؤثر بر شکل‌گیری بسیج جمعی تلقی شده است (تیلی، ۱۳۹۳: ۴۴). این نظریه و تأکید صرف آن بر ارزش‌های مبتنی بر بقا به جوامع توسعه‌نیافته مربوط است (تیلی، ۱۳۹۸: ۵۲). اگر بسیج جمعی را تابعی از نیازمندی‌ها و میزان توسعه‌یافتگی جوامع تلقی کنیم، باید بسیج مرغان در *منطق‌الطیر* را تابعی از اصل ارزش‌های فراتر از بقا تصور کرد، ارزش‌هایی که فراتر از بقا و نیازهای فیزیولوژیک، به‌دنبال معرفی الگوهای کیفی و معنوی هستند. بسیاری از مرغان شرکت‌کننده در بسیج و کنش جمعی، از زندگی خود راضی و خشنودند و نیازهای اولیه و ارزش‌های مبتنی بر بقا برای آنها فراهم است و هیچ تهدیدی علیه این ارزش‌ها نیز وجود ندارد، اما هدهد با طرح

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

الگوهای فرامادی و ارزش‌های کیفی ذهن آنها را به‌هم می‌ریزد و تلاش می‌کند تا آنها را با معیارها و نیازهایی فراتر از بقا آشنا کند. هدهد سیمرغ را چنین توصیف می‌کند:

نام او سیمرغ سلطان طیور — او به ما نزدیک و ما زو دور دور
هیچ دانایی کمال او ندید — هیچ بینایی جمال او ندید
دائماً او پادشاه مطلق است — در کمال عزّ خود مستغرق است
در کمالش آفرینش ره نیافت — دانش از پی رفت و بینش ره نیافت
این‌همه آثار صنع از فرّ اوست — جمله انمودار نقش پرّ اوست
چون نه سر پیداست وصفش را نه بن — نیست لایق بیش ازین گفتن سَخُن

(عطار، ۱۳۷۴: ۴۰)

تصویری که هدهد از سیمرغ ارائه می‌دهد، بیشتر وصف ارزش‌های کیفی و فراتر از بقا است که نظام باورهای مادی و دنیوی مرغان را به‌هم می‌ریزد، باورهایی که سال‌های متمادی با آن خو گرفته‌اند. بسیج جمعی مرغان به رهبری هدهد نوعی کنش اصلاح‌طلبانه است که به‌دنبال تغییر در اولویت‌های دنیوی و کمی نیست، بلکه فراتر از اقتصاد و نیازهای مادی، به‌دنبال طرح الگوهای ارزشی و معنوی است که فراتر از نیازهای فیزیولوژیک، نشان‌دهندهٔ عمق‌بخشی به ضرورت‌های فرهنگی و انسانی است.

در داستان «کبوتر مطوّقه» اصل بقا و حیات پرندگان از سوی صیاد در خطر قرار می‌گیرد. این اصل بقا و ضرورت تداوم حیات پرندگان است که جهت‌گیری و افق ذهنی آنها را متأثر می‌کند و ضرورت جنبش جمعی را ایجاب می‌کند.

الف) «صیاد پیش آمد و جال باز کشید و حبّه بینداخت و در کمین نشست و ساعتی ببود...».

ب) پرندگان «...چندان که دانه بدیدند غافل‌وار فرود آمدند و جمله در دام افتادند...» (نصراله منشی، ۱۳۷۵: ۱۵۸).

گزارهٔ «الف» موقعیت نخستین شکل‌گیری جنبش جمعی پرندگان را توجیه می‌کند. صیاد با گستراندن «جال» و انداختن «حبه» اصل بقای پرندگان را با خطر مواجه کرده است. کنشگری صیاد کاملاً آگاهانه، به‌ترتیب و منطقی است. هم صیاد و هم پرندگان به‌دنبال قوت روزانه و استمرار بقای خود هستند، اما با دردام‌افتادن «جملهٔ» پرندگان (گزارهٔ ب) دیگر نه‌تنها تداوم حیات، بلکه نقد جان پرندگان نیز در خطر قرار می‌گیرد. این چالش باعث شکل‌گیری جنبش جمعی پرندگان می‌شود و نوعی هم‌بستگی مکانیکی با ساختاری بسته شکل می‌گیرد که از تلاش برای مسئلهٔ بقا و حفظ حیات شروع می‌شود و درنهایت به تداوم بقا منجر می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

بسیج‌جمعی کبوتران ساختاری بسته دارد که با ارزش‌های مبتنی بر بقا و تلاش برای حفظ جان شروع می‌شود و به حفظ بقا و رهایی از مرگ نیز ختم می‌شود. این درحالی است که بسیج جمعی مرغان جهان در *منطق‌الطیر* ساختاری باز دارد و از ارزش‌های مادی و مبتنی بر بقا آغاز و به نیازهای کیفی و فراتر از بقا ختم می‌شود؛ نیازهایی ارزشی و معنوی که فراتر از بقا، به‌دنبال اصلاح الگوها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعهٔ مرغان است.

۲. ۵. اصل انسجام درون‌سازمانی

انسجام و استواری جنبش‌های اجتماعی به مؤلفه‌های کمی و کیفی جنبش‌ها بستگی دارد. گئورگ زیمل در بررسی انسجام درونی جنبش‌های اجتماعی بیش از دیگر جامعه‌شناسان بر کمیت و تعداد شرکت‌کنندگان تأکید کرده است. او دیالکتیک، مسئولیت، سطح پیوندهای گروهی، آزادی، اختیار، فرمان‌برداری و... را تابعی از ماهیت کمی جنبش می‌داند (زیمل، ۱۳۹۵: ۲۶). در روایت «مرغان جهانِ» *منطق‌الطیر*، قیدهای «جمله»، «همه» و «یکسر» از حساسیت به کمیت اعضای گروه خبر می‌دهد. هرقدر گروه کوچک باشد، روابط و انسجام درون‌گروهی آنها روشن و قابل بررسی کیفی است. به‌عبارت‌دیگر، از مشارکت‌کنندگان در گروه‌های کوچک و غیرحداکثری، انتظار کنش جمعی بیشتر و منسجم‌تری می‌رود و آنها مجبورند رابطهٔ استوارتری با سازمان برقرار کنند. انسجام انجمن مرغان در اواخر روایت به‌مراتب بیشتر از آغاز تشکیل گروه است. در پایان روایت، «سی‌مرغ» باقی‌مانده انسجام بیشتری را به‌نمایش می‌گذارند.

چون نگه کردند آن سی‌مرغ زود بی‌شک این سی‌مرغ آن سیمرغ بود
در تحیر جمله سرگردان شدند می‌ندانستند این یا آن شدند
خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ سی‌مرغ مدام
(همان، ۲۳۵)

هرچه بسیج جمعی و کنش جمعی مرغان به هدف نزدیک می‌شود، با ریزش اعضای مشارکت‌کننده، کوچک‌تر ولی منسجم‌تر می‌شود. در گروه‌های کوچک، روابط درون‌سازمانی عاطفی‌تر و استوارترند، حال‌آنکه در گروه‌های بزرگ‌تر سازوکارهای درونی گروه بیشتر منطقی و استدلالی است. در قصهٔ مرغان، این موضوع نیز نشان داده شد که مشارکت‌کنندگان اغلب با سؤال و جواب و با منطق به‌دنبال عضویت در گروه هستند، اما در پایان قصه روابط عاطفی و درونی آنها زیادتر و برجسته‌تر می‌شود. در گروه‌های بزرگ‌تر، کنشگران تنها بخشی از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

توانایی و استعداد خود را در خدمت گروه به‌کار می‌برند؛ ازاین‌رو، می‌بینیم که خروج از گروه و نیز پیوستن به آن آسان‌تر می‌نماید.

لیک چون ره بس دراز و دور بود — هرکسی از رفتنش رنجور بود
گرچه ره را بود هریک کارساز — هریکی عذری دگر گفتند باز...
(همان، ۴۲)

بعد از آن مرغان دیگر سربه‌سر — عذرها گفتند مشتی بی‌خبر
هریکی از جهل عذری نیز گفت — گر نگفت از صدر کز دهلیز گفت
گر بگویم عذر یک‌یک با تو باز — دار معذورم که می‌گردد دراز
(همان، ۶۰)

مرغانی که به‌راحتی از گروه جدا می‌شوند نشان می‌دهند که جهان‌شناسی و هستی‌شناسی آنها با دیگر اعضای گروه تفاوت دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، هنجارها و ارزش‌های جمعی طرح‌شده در هنگام تشکیل گروه نتوانسته است آنها را از موقعیت فعلی‌شان جدا کند و هویت فردی و هویت اجتماعی آنها هنوز متفاوت است. بلبل عدم تطابق انتظارات و جهان‌نگری خود و انجمن مرغان را چنین وصف می‌کند:

بلبل شیدا درآمد مست مست — وز کمال عشق نه نیست و نه هست
گفت بر من ختم شد اسرار عشق — جملهٔ شب می‌کنم تکرار عشق
در سرم از عشق گل سودا بس است — زانک مطلوبم گل رعنا بس است
طاقت سیمرغ نارد بلبلی — بلبلی را بس بود عشق گلی
(همان، ۴۳)

در روایت «کبوتر مطوقه»، نشان داده می‌شود که موفقیت یک جنبش جمعی با نیاز غریزی حفظ بقا رابطهٔ مستقیم دارد؛ به‌این‌معنا که هرچه هدف‌گذاری جنبش بر کسب منفعت و رسیدن به نیازها و دغدغه‌های مربوط به بقا و حیات متمرکز باشد، به همان میزان انسجام و استواری کنش جمعی نیز بیشتر خواهد شد. ازآنجاکه جنبش کبوتران برای حفظ اصل بقا است، استواری و سازوکار درونی آن برای رسیدن به پیروزی نیز بیشتر و پیچیده‌تر است. انسجام در جنبش کبوتران از عقلانیت مطوّقه شروع می‌شود و مؤلفه‌هایی چون تهدید و تقابل، باور مشترک، کمیت گروه، اهداف و خیر جمعی و گفت‌وگوی جمع‌گرا بر استواری آن تأثیر مستقیم دارد.

الف) ...سرِ ایشان کبوتری بود که او را مطوّقه گفتندی و در طاعت و مطاوعت او روزگار گذاشتندی... (نصراله منشی، ۱۳۷۵: ۱۵۸-۱۵۹).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

گزارهٔ «الف»، روابط شبکه‌ای و سازوکار میان‌گروهی محکمی را به‌نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که دوستی و «مودت» بین کبوتران و التزام به «مطاوعت» و پیروی از مطوّقه به‌عنوان پیشوا و سردستهٔ کبوتران، مایهٔ انسجام بین‌سازمانی شده است. ازآنجاکه تعداد مشارکت‌کنندگان در روایت مطوّقه کم است، درک و شناخت کبوتران از اهداف جنبش مشخص‌تر است. باور آنها به خیر جمعی جنبش نیز بیشتر است و درنتیجه انسجام درون‌سازمانی جنبش آنها بیشتر است.

اصل تهدید بقا و نیز اعتقاد به اهداف عملی جنبش و نیز عقلانیت رهبری و اطمینان به او، در شکل‌گیری هویت مشترک و یک‌دست کبوتران و انسجام درونی آنها مؤثر بوده است. انسجام و تاب‌آوری کبوتران به «ثقت» و درک روشن آنها از همان منفعت همگانی وابسته است که قرار است با پیروزی کنش جمعی میان آنها به‌مساوات تقسیم شود. مطوّقه در جایگاه رهبر و مدیری خردمند همواره در تلاش است تا حس منفعت همگانی را تقویت کند. به گفت‌وگوی او با موش دقت شود:

... موش این فصول بشنود، و زود در بریدن بندهایی ایستاد که مطوّقه بدان بسته بود. (مطوّقه) گفت: نخست از آن یاران بگشای. موش بدین سخن التفات ننمود. (مطوّقه) گفت ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی‌تر... (همان، ۱۶۱).

مطوّقه می‌داند که در فرآیند جنبش کوچک کبوتران همه‌چیز روشن است. چیزی را نمی‌شود پنهان کرد. لاجرم، آگاهانه و خالصانه تلاش می‌کند تا حس اطمینان از تقسیم درست و عادلانهٔ منفعت عمومی و خیر جمعی مترتب بر کنش کبوتران صدمه نبیند. او رهایی و منفعت نهایی تک‌تک کبوتران را بر منفعت خود ترجیح می‌دهد و با محاسبات ارزشی و اخلاقی، زمینهٔ انسجام بیشتر، تقویت روابط شبکه‌ای و درون‌گروهی، و درنهایت پیروزی و رهایی جمع (کبوتران) را فراهم می‌کند.

باید گفت که انسجام درونی جنبش «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر* تکاملی و تابع تعداد مشارکت‌کنندگان است؛ به‌این‌معنا که با ریزش اعضا و کوچک‌شدن گروه، انسجام درون‌گروهی بیشتر و هویت متکثر پرندگان به هویت یک‌دست و منسجم «سی‌مرغ» تبدیل می‌شود. حال‌آنکه، انسجام دستهٔ کبوتران متأثر از عواملی چون درخطرافتادن اصل بقا، محدودبودن جنبش، عقلانیت رهبری، باور اطمینان به اهداف عملی جنبش و... از استواری بیشتری برخوردار است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

۳. نتیجه‌گیری

کاربست نظریه‌های جدید در خوانش آثار ادبی کلاسیک، ضمن رهاکردن متون از محدودیت‌های سنتی، سبب می‌شود که کارکردهای فرامتن و امروزین متون روشن شود. تحلیل سازوکارهای حاکم بر دو روایت «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر* و کبوتران در حکایت «کبوتر مطوّقه»، ازمنظر جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، موفقیت نسبی هردو جنبش را نشان می‌دهد. هرچند جنبش جمعی موجود در دو روایت مذکور، دارای سازمان انسجام‌بخش مشترک است و هرچند کنش جمعی آنها درنهایت به منافع و اهداف ازپیش‌تعیین‌شده می‌انجامد، متغیرهای کیفی و کمی متفاوت و تفسیربرداری بر سازمان این دو روایت حاکم است.

ازآنجاکه جنبش کبوتران معطوف به ارزش غریزی حفظ بقا است و ازآنجاکه آنها برای حفظ حیات خود می‌کوشند، کنش جمعی آنها کنشی بسته است که از تلاش برای بقا شروع می‌شود و لاجرم به همان بقا برمی‌گردد؛ به‌عبارتی دیگر، نهاده و داده در کنش جمعی کبوتران یکی است، اما کنش جمعی «مرغان جهان» در *منطق‌الطیر* ساختاری باز و تکاملی دارد که فراتر از الگوهای مادی به‌دنبال ارزش‌های فراتر از بقا و نیز طرح الگویی اصلاح‌طلب و ارزشی است که به‌دنبال تغییر در ساختارهای ارزشی و فرهنگی موجود است. بسیج جمعی مرغان، ازنظر کمّی، از تعداد مشارکت‌کنندگان بیشتری برخوردار است و «جهان»شمول است، اما با ریزش اعضا، انسجام کنش جمعی آنها متزلزل می‌شود و خروج و ورود به گروه با آزادی بیشتری ممکن می‌شود؛ حال‌آنکه، جنبش کبوتران یک‌دست است و ثبات و انسجام بیشتری دارد و در آن ریزش و حذف اعضاء وجود ندارد. «جهانی»بودن در بسیج مرغان در *منطق‌الطیر* به‌معنای فراگیری جنبش و نیز نشان‌دهندهٔ ضرورت استناد به الگوهای ارزشی و فرهنگی است که با جهانی‌شدن فرهنگ‌ها، مقبول همهٔ جنبش‌های خرد و کلان اجتماعی باشد. در روایت *منطق-الطیر*، هم‌ریختی مرغان وجود دارد؛ یعنی هرچند مشارکت‌کنندگان همگی از یک جنس‌اند، با توجه به گونه‌های متفاوت مرغان، نیازها و توانایی آنها نیز با هم تفاوت دارد؛ حال‌آنکه، در روایت «کبوتر مطوّقه»، یک‌ریختی و یک‌گونگی کبوتران باعث شده است تا باور، هدف و نیاز آنها مشترک باشد و لاجرم انسجام گروهی آنها در رسیدن به هدف و خیر جمعی بیشتر باشد.

گفت‌وگو و مکالمهٔ مستدل هدهد و «مرغان جهان» باعث شده است تا روابط درون‌سازمانی آنها منطقی و آگاهانه باشد؛ ازاین‌رو است که زبان هدهد افت‌وخیز و شور مذهبی و عرفانی دارد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

و گاهی تندوتیز می‌شود و لحن پرخاشگرانه و موعظه‌ای به خود می‌گیرد، درحالی‌که روابط درون‌سازمانی در روایت «کبوتر مطوّقه» نشان‌دهندهٔ سرمایه‌گذاری عاطفی بیشتری است و لحن مطوّقه، در کل روایت، نرم و یکدست و دور از زخم زبان و شور انقلابی است.

هدهد هرچند از هوش کلامی ویژه و تجربهٔ زیادی برخوردار است، نوعی خودستایی و اعتمادبه‌نفس و تفکر ایلخانی در گفت‌وگو و ارتباط او با دیگر مرغان دیده می‌شود. نگاه او به دیگر مرغان نگاهی عمودی و از بالا به پایین است که نشانه‌های رقابت، قدرت‌طلبی و سرکوب در آن کاملاً پیداست؛ حال‌آنکه، مطوّقه تصویری هم‌عرض با دیگر کبوتران را به‌نمایش می‌گذارد و رفتار او با دیگر کبوتران افقی است که به‌هیچ‌وجه خاصیت سرکوب و قدرت‌طلبی ندارد.

در پایان، باید گفت، بازتاب الگوهای ارزشی و فرهنگی مشترک در هردو روایت یکسان نیست. در روایت «کبوتر مطوّقه»، علاوه‌بر حفظ بقا، ارزش‌ها و هنجارهایی فراتر از بقا، چون «تعاون» و همکاری، بردباری و تلاش جمعی، ایثار و وفاداری، «مصادقت و مودت» به‌شیوه‌ای استوار و باورمند نمایش داده شده است. این درحالی است که نظام معنوی و ارزشی موردنظر هدهد به‌درستی در پایان روایت «مرغان جهان» نشان داده نشده است.

پی‌نوشت

۱. امیل دورکیم در اهمیت هویت جمعی و گروهی می‌گوید که افراد فاقد هویت جمعی و مشترک، بیشتر از افراد با هویت سازمانی و گروهی به خودکشی فکر می‌کنند (ر.ک: ریترز، ۱۳۸۹: ۶۱).

۲. داستان «کبوتر مطوقه» سال‌هاست که در کتاب‌های آموزش و پرورش جا خوش کرده است. کارکرد تربیتی و آموزشی این داستان ضرورت کاربست رویکردهای فرامتن را بر آن نشان می‌دهد؛ رویکردهایی که فراتر از متن و بحث‌های زیبایی‌شناسی کلاسیک ـ بیان و بدیع ـ و نیز لفظ و معنا، به موضوعات اجتماعی و تربیتی بپردازند و دانش‌آموزان را برای «کنش‌های جمع‌محور» و درک و شناخت گروه و لزوم هویت مشترک آماده کنند.

منابع

بحرانی‌پور، علی و همکاران (۱۳۹۷) «تحلیل جنبش سربداران برپایهٔ نظریهٔ کنش جمعی چارلز تیلی». *تاریخ و تمدن اسلامی*. شمارهٔ ۲۸: ۸۹-۱۲۰.

پیوزی، مایکل (۱۳۷۹) *یورگن هابرماس*. ترجمهٔ احمد تدین. تهران: هرمس.

تمیم‌داری، احمد و همکاران (۱۳۹۸) «بررسی تطبیقی داستان مرغ دریایی و داستان مرغان در منطق‌الطیر برمبنای نظریهٔ گلسر». *متن‌پژوهی ادبی*. دورهٔ بیست‌وسوم. شمارهٔ ۸۱: ۷-۳۸.

تورن، آلن (۱۳۸۰) *نقد مدرنیته*. ترجمهٔ مرتضی مردیها. تهران: گام نو.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]
[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

تیلی، چارلز (۱۳۸۵) *از بسیج تا انقلاب*. ترجمهٔ علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکدهٔ امام‌خمینی و انقلاب اسلامی.

تیلی، چارلز (۱۳۹۳) *انقلاب‌های اروپایی؛ بررسی پانصد سال تاریخ سیاسی اروپا*. ترجمهٔ بهاءالدین بازرگانی گیلانی. تهران: کویر.

تیلی، چارلز (۱۳۹۸) *جنبش‌های اجتماعی. ترجمهٔ علی مرشدزاد*. تهران: دانشگاه امام‌صادق.(ع)

خسروی‌شکیب، محمد، و رسول حیدری (۱۳۹۹) «بررسی شخصیت هدهد در منطق‌الطیر با تأکید بر نظریهٔ خودشکوفایی مازلو». *پژوهش‌های ادب عرفانی* (گوهر گویا). سال چهاردهم. شمارهٔ ۱(پیاپی ۴۴): ۸۷- ۱۰۲.

دادور، ایلمیرا و همکاران (۱۳۹۷) «بررسی بینامتنی مفهوم سیمرغ در مجمع مرغان ژان کلود کریر». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. شمارهٔ ۷۸: ۳۵۵-۳۷۰.

دگار، اندرو، و پیتر سجویک (۱۳۷۸) *مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی*. ترجمهٔ مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: اگه.

ریترز، جورج (۱۳۸۹) *مبانی نظریهٔ جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. ترجمهٔ شهناز مسمی‌پرست. تهران: ثالث.

زیمل، گئورگ (۱۳۹۵) *گئورگ زیمل*. مجموعه مقالات. ترجمهٔ شاپور بهیان. تهران: دنیای اقتصاد.

عطار نیشابوری (۱۳۷۴) *منطق‌الطیر*. به‌تصحیح سیدصادق گوهرین. چاپ دهم. تهران: علمی و فرهنگی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) *چشم‌اندازهای جهانی*. محمدرضا جلایی‌پور. تهران: طرح نو.

لیوئیس، کوزر (۱۳۹۳) *زندگی و اندیشهٔ بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمهٔ محسن ثلاثی. چاپ نوزدهم. تهران: گلرنگ یکتا.

منشی، نصرالله (۱۳۷۵) *کلیله و دمنه*. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی. چاپ چهاردهم. تهران: امیرکبیر.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) *نظریهٔ کنش ارتباطی: جهان زیست و نظام*. ترجمهٔ کمال پولادی. تهران: روزنامه ایران.

Melucci, Alberto (1989) *Nomads of the Present: Social Movements and Individual Needs in Contemporary Society*. Eds. John Keane and Paul Mier, Philadelphia, PA: Temple University Press.

Melucci, Alberto (1995) *The Process of Collective Identity*. Temple University Press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1401.30.92.12.8]

[DOI: 10.52547/jpll.30.92.111]

Melucci, Alberto (1996) *Challenging Codes: Collective action in the information age*; Cambridge Press. pp. 361-379.

Paglis, L. (2010) "Leadership Self-Efficacy: Research Findings and Practical Applications", *Journal of Management Development*, 29(9), 771–782.

Touraine, Alain (1985) *An Introduction to the Study of Social Movements*. University of Social Research. Cambridge press.